



دکتر ابوالفضل بازرگان  
پژوهشگر امنیت بین الملل  
استاد مدعو مرکز مطالعات آمریکا

## سفر بایدن به عربستان؛ جبران شکست آمریکا پس از خروج از منطقه

سال‌های اخیر، فشارهای زیادی از طرف گروه‌های داخلی و بین‌المللی حامی حقوق بشر، به دولت آمریکا در قبال تغییر رویه با عربستان سعودی وارد شده است و در نهایت، این بایدن بود که در شعارهای انتخاباتی خود، وعده داد تا مسائل حقوق بشر را در اولویت کارش قرار دهد. از این رو، از روزی که احتمال سفر بایدن به عربستان مطرح شد، علیه این اقدام او، اعتراضات زیادی صورت گرفت و بسیاری معتقد بودند، از آنجایی که دولت بایدن از حمایت ضعیفی در کنگره، حتی در میان دموکرات‌ها برخوردار بوده و این اقدام، ممکن است در انتخابات آینده، به ضرر بایدن تمام شود، پس بایدن با یک تصمیم سخت روبه‌رو است که در نهایت، دیدیم سفر به عربستان، تصمیم نهایی بایدن بود. این سفر، پیام واضحی برای نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل و مناظره آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست‌های کاخ سفید دارد؛ «مهم نیست آمریکا چه آرمان‌هایی برای حمایت از حقوق بشر و گسترش دموکراسی در دنیا داشته باشد، نهایتاً

ماه‌ها است که درباره اهمیت سفر بایدن به منطقه غرب آسیا، مطالب بسیار زیادی نوشته شده است. چند روز پیش، جو بایدن مقاله‌ای را در واشنگتن پست مبنی بر اینکه «چرا می‌خواهم به عربستان سعودی سفر کنم؟»، منتشر کرد که نکات بسیار قابل توجهی را در برداشت و با توجه به شرایط داخلی آمریکا و وضعیت جدید نظم بین‌الملل، به بررسی اهمیت این سفر، فرصت‌ها و چالش‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم:

### ۱- بازگشت سیاست واقع‌گرایی (رنال پالیتیک)<sup>۱</sup> به کاخ سفید تحت حکمرانی بایدن

سفر بایدن به عربستان سعودی، زمانی صورت می‌گیرد که او در تبلیغات انتخاباتی خود، بارها گفته بود که عربستان، باید «هزینه کاری را که کرده است، بپردازد» که به ماجرای قتل خاشقچی به دستور بن سلمان و نقض فاحش حقوق بشر توسط عربستان در جنگ یمن اشاره داشت. در

1. Real Politic

برای تأمین منافع خود، دست دوستی را به فاحش‌ترین ناقض حقوق بشر و غیر دمکرات‌ترین کشور دنیا دراز می‌کند». از این رو، می‌توان مقاله اخیر و اشنگتن پست را یک توجیه برای افکار عمومی داخلی آمریکا دانست که بایدن به دنبال گفتمان سازی جدید و انحراف افکار عمومی از مباحث حقوق بشر و دموکراسی بوده نشان دهد که مسائل مهم‌تری برای منافع ملی و امنیت ملی آمریکا، وجود دارد که باعث این سفر بایدن به عربستان سعودی شده است.

### ۲- بحران اوکراین، گذار در نظم بین‌المللی و بازی جدید دولت‌های منطقه

بحران اوکراین و تحریم‌های انرژی روسیه، موجب بالا رفتن قیمت انرژی، در دنیا شده و بر کسی پوشیده نیست که اروپا و تا حدودی آمریکا را با بحران جدیدی، مواجه ساخته است؛ اما آن چیزی که قابل پیش‌بینی نبود، این بود که عربستان سعودی به‌عنوان متحد آمریکا و بزرگ‌ترین صادرکننده نفت در دنیا، بعد از شروع این بحران، از

سیاست‌های نفتی آمریکا علیه روسیه حمایت نکند. واقعیت این است که مسائلی چون خروج ناگهانی آمریکا از افغانستان و خروج تدریجی نیروهایش از منطقه تا ناکارآمدی حمایت‌های آمریکا از اوکراین برای جلوگیری از حمله روسیه به این کشور، منطق جدیدی را به کشورهای منطقه از جمله دولت‌هایی که دهه‌ها، امنیت و منافع خود را به حضور آمریکا در منطقه گره زده بودند، تحمیل کرده است که باید برای تأمین منافع و امنیت خود، راه‌هایی جز وابستگی به آمریکا را امتحان کنند. شاید یکی از بارزترین نشانه‌های این منطق جدید بعد از بحران اوکراین، در همراهی نکردن کشورهای منطقه از تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه روسیه دیده شد. به‌ویژه آمریکا و اروپا، رایزنی‌های زیادی با عربستان سعودی، امارات و دیگر کشورهای نفت خیز منطقه برای افزایش صادرات خود انجام دادند تا هم بتوانند کمبود منابع انرژی اروپا را جبران کنند، هم قیمت بازار جهانی انرژی را کنترل نمایند، اما عربستان سعودی از

این تصمیم تا حد زیادی امتناع کرد و ترجیح داد، روابط خود با روسیه در اوپک پلاس را حفظ کند و با افزایش قیمت نفت، منافع بیشتری برای خود تأمین نماید. همچنین با خروج آمریکا از منطقه، روسیه بازیگری بسیار مؤثر خواهد بود که عربستان سعودی همکاری با آن را در راستای تأمین منافع ملی خود در آینده می‌داند. حضور لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در اجلاس اخیر شورای همکاری خلیج فارس نیز در همین راستا بود. به همین دلیل، سفر بایدن به عربستان، در راستای اهمیت این موضوع برای امتیاز دادن به عربستان و راضی کردن این کشور برای افزایش صادرات نفتی و کنترل قیمت انرژی در بازار جهانی صورت می‌گیرد؛ و شاید اگر عربستان هنوز مانند گذشته با سیاست‌های آمریکا همسو بود، این سفر، اهمیت کنونی را نداشت.

### ۳- گسترش نفوذ چین در منطقه

در ادامه مبحث گذار در نظم بین‌المللی و خروج نیروهای آمریکا از منطقه، چین به‌عنوان دومین ابرقدرت بین‌المللی و



امنیتی عربستان با چین، برای ساخت موشک بالستیک، ساخت پایگاه‌های نظامی چین در امارات متحده عربی و خلیج فارس و شاید مهم‌ترین آن‌ها، توافق عربستان سعودی با چین برای فروش نفت با پرداخت ارز ملی چین، یعنی یوان باشد که تهدید جدی برای سلطه دلار در نظام ارزی جهانی، به حساب می‌آید. از این رو، آمریکایی که در حال حاضر رشد چین برایش مهم‌ترین

متحدهای سنتی آمریکا در منطقه، از عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر تا ترکیه - که عضو ناتو است - همکاری‌های بسیار گسترده‌ای (حتی به مراتب بیشتر از جمهوری اسلامی ایران) با چین، برقرار کرده‌اند که این مسئله، به ضرر منافع آمریکا در منطقه تمام می‌شود. شاید مهم‌ترین این همکاری‌ها در وجهه‌های امنیتی و اقتصاد سیاسی را بتوان به همکاری

کاندیدای هژمونی نظم آینده جهانی، حضوری آهسته اما پرتنگ در منطقه داشته و کم‌کم در حال پا گذاشتن بر جاهای خالی آمریکا در منطقه است. همچنین، کشورهای منطقه نیز در مواجهه با یک ابرقدرت اقتصادی جدید، منافع ملی خود را در همکاری با آن می‌بینند و به این نکته، توجه ندارند که آن کشور بزرگ‌ترین رقیب متحد سنتی خود، یعنی آمریکا باشد؛ یعنی اصلی‌ترین

تهدید به حساب می‌آید و به دنبال مهار این کشور است، باختن منطقه غرب آسیا به چین، اصلاً مطلوب این دولت نخواهد بود، پس اهمیت سفر بایدن به عربستان سعودی، در راستای هماهنگ کردن سیاست‌های خود با عربستان برای جلوگیری از کسب منافع بیشتر چین در منطقه نیز قابل بررسی است.

### ۴- چرخش نظم جدید منطقه به نفع ایران پس از خروج آمریکا

ایالات متحده آمریکا به مدت ۲۰ سال، بعد از ۱۱ سپتامبر و با حمله به افغانستان و عراق که به منطقه غرب آسیا لشکرکشی کرد، حضور جدی و گسترده نظامی در منطقه داشت که عمده این سال‌ها به هدف مهار ایران، ادامه یافته است. ایالات متحده در طول این سال‌ها، از هیچ اقدامی برای تغییر رفتار و شکست ایران، کوتاهی نکرده است؛ از کمپین فشار حداکثری تحریم‌ها تا حضور نظامی در مرزهای غربی، شرقی، شمالی و جنوبی تا حضور در خلیج فارس، برگزاری رزمایش‌ها نظامی در مرزهای ایران و تهدیدهای متعدد «گزینه

نظامی روی میز است» تا ترور فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران، شهید سردار قاسم سلیمانی و ...، اما اکنون و بعد از گذشت ۲۰ سال، در حالی که خود آمریکا در حال ترک منطقه است، نه تنها جمهوری اسلامی ایران، باقی مانده و در سیاست خارجی خود، تغییر رفتار نداده، بلکه در تمام جنگ‌های نیابتی در منطقه جمهوری اسلامی ایران به همراه محور مقاومت، در برابر آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن، پیروز شده است. در واقع، در عصر نظم تک قطبی، هژمونی آمریکا در منطقه را به چالش کشیده و با عمق استراتژیک منطقه‌ای، نظم مطلوب خود در نیمی از منطقه، از افغانستان تا عراق، سوریه و لبنان و تا یمن را اعمال کرده است. در حال حاضر، قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران، بیش از همیشه پیشرفت کرده و اخیراً به یکی از مهم‌ترین قدرت‌های پهنپادی خودساخته در منطقه، تبدیل شده است. حال با این وضعیت، دولت‌هایی که در منطقه، امنیت خود را وابسته به حضور آمریکا می‌دیدند، اکنون

با خروج آن، دچار احساس ترس و خلأ امنیتی شده‌اند که مجبور به اتخاذ سیاست‌های جدید، از جمله خودیاری، اتحاد و ائتلاف‌های نو شده‌اند. در این راستا، تمام فعالیت‌های کشورهای منطقه از ارتباط‌گیری با چین و روسیه، نزدیک شدن اعراب به ترکیه تا اعراب به رژیم صهیونیستی، قابل تبیین می‌باشد.

البته روی دیگر این سکه، این است که به دلیل سابقه بقاء، قدرت و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه بسیار مهم و حساس ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه، دیگر دولت‌های منطقه، در عین رقابت با جمهوری اسلامی ایران، در محاسبه هزینه فایده خود، ترجیح می‌دهند تا با ایران، وارد جنگ و درگیری نشوند، بلکه با این کشور، تنش‌زدایی و همکاری داشته باشند. این وضعیت، از تحولات جدید افغانستان و روی کار آمدن طالبان - که همواره با ایران رقابت داشته‌اند - قابل مشاهده است که اکنون، ترجیح می‌دهند تا با تهران، رابطه خوبی داشته باشند که

به تبع آن، پاکستان نیز از روابط خوبی با تهران برخوردار است و ترکمنستان - که سال‌ها روابط سردی با تهران داشت - اکنون با تغییر رویکرد دولت جدید در تهران، از بهبود روابط محسوسی برخوردار شده است تا جمهوری آذربایجان و ترکیه - که در بحران قره‌باغ با ایران، رقابت شدیدی دارند - اکنون خواهان تنش‌زدایی و همکاری با تهران هستند. حتی امارات متحده عربی که روابط خود با رژیم صهیونیستی را عادی کرده است، مشاور عالی امنیت ملی این کشور، به تهران سفر کرده، با دریابان، علی شمخانی دیدار می‌کند و درخواست گسترش روابط با تهران را می‌دهد تا قطر و عمان که روابط گسترده‌ای با تهران دارند و عربستان سعودی که در اوج رقابت‌ها پس از ۸ سال شکست در جنگ یمن و خروج پاتریوت‌های آمریکا از خاک کشورش، در مذاکرات بغداد، خواهان تنش‌زدایی با تهران است. تمام این تحولات، به علاوه پیروزی اخیر بشار در انتخابات سوریه و عادی‌سازی کشورهای اعراب منطقه با بشار پس از ۱۰ سال جنگ، همه نشان از

بهبود موقعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه دارد. این، در حالی است که چرخش نظم در منطقه، اصلاً مطلوب آمریکا نیست. آمریکایی که با ایجاد صلح آبراهام، سعی بر سنگین کردن موازنه به سمت اسرائیل داشت، اکنون اگر اعراب و ایران، روابط کنترل‌شده‌ای باهم برقرار کنند، این موازنه به نفع جمهوری اسلامی ایران و به ضرر رژیم صهیونیستی در منطقه، تغییر می‌کند که در تضاد با سیاست همیشگی آمریکا مبنی بر حفظ برتری و امنیت این رژیم در منطقه است. از این رو، سفر بایدن به عربستان برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل و چرخاندن موازنه منطقه به سمت آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. در حال حاضر، آمریکا به دنبال «موازنه‌سازی از راه دور» (Offshore Balancing) برای غرب آسیا است، به این معنا که ایالات متحده پس از ۲۰ سال حضور مستقیم نظامی در منطقه و هزینه‌های وحشتناک (به گفته ترامپ، آمریکا بیش از هشت هزار میلیارد دلار، در منطقه هزینه کرده است)، اکنون زمانی که

تهدیدات جدی‌تری در سیاست خارجی خود، یعنی مهار روسیه و چین وجود دارد، باید نظم‌سازی منطقه را برای تأمین منافع خود، به متحدانش در منطقه بسپارد که مهم‌ترین آن‌ها، رژیم صهیونیستی است؛ اما این رژیم، قطعاً به تنهایی توانایی انجام این وظیفه مهم را نخواهد داشت، پس بایدن با سفر به عربستان سعودی و عادی‌سازی روابط میان این دو کشور، می‌خواهد مطمئن شود که می‌تواند روی عربستان سعودی به عنوان متحد خود، برای بار دیگر حساب کند.

## ۵ - آمریکا در قبال شکست مذاکرات با ایران، گزینه جایگزین مطلوبی ندارد

در ادامه بحث گذار در نظم بین‌المللی، بحران اوکراین، رشد چین، خروج تدریجی نیروهای آمریکا از منطقه و افزایش قدرت بازدارندگی، نفوذ و جایگاه ایران در منطقه و افزایش توانایی، تکنولوژی و دانش هسته‌ای این کشور، ایالات متحده آمریکا، دیگر نمی‌تواند مانند گذشته به ایران بگوید که «یا جنگ یا توافق». دیگر نمی‌تواند با تهدید به جنگ،

خواسته‌های خود را به ایران در مذاکرات تحمیل کند (سیاستی که در مذاکرات برجام ۲۰۱۵ انجام می‌داد). در مقاله دیروز واشنگتن پست، بایدن عنوان کرد که ترامپ از برجام خارج شد، بدون آنکه گزینه جایگزین مطلوبی در قبال ایران، وجود داشته باشد. همچنین، بایدن عنوان کرد که دولتش با باقی ماندن در مذاکرات، تحریم‌های علیه ایران را تا جایی ادامه خواهد داد که ایران، به توافق رضایت دهد (البته منظور از رضایت ایران، ایجاد توافق مطلوب به نفع آمریکا است!). خوب، این گزاره از بایدن که شدیداً مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت، از نگاهی به این معنا است که واقعاً در حال حاضر، آمریکا گزینه مطلوب جایگزینی در قبال ایران ندارد و ترجیح می‌دهد در حین ادامه فشار به ایران، مذاکرات با ایران نیز باقی بماند و گفتگوها شکست نخورد. از این رو، شاید تنها راه جایگزین مهار ایران در صورت شکست مذاکرات، احیای برجام و همان سیاست موازنه از راه دور باشد - که پیش‌تر مطرح شد - که یک اتحاد نظامی (هوایی،

دریایی، پدافندی و راداری) میان رژیم صهیونیستی با برخی از دولت‌های عرب منطقه است. از این منظر، بایدن با سفر به عربستان سعودی، به دنبال ایجاد یک گزینه جایگزینی (Plan B) در قبال ایران و احتمال شکست مذاکرات احیای برجام است.

### راهکار ایران در قبال آثار سفر بایدن به منطقه: نظم شبکه‌ای

اگر جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست‌گذاری سیاست خارجه خود، نگاهی مبتنی بر نظم جدید بین‌المللی، یعنی نظم شبکه‌ای، نظم مبتنی بر الگوی رفتاری رقابت در عین همکاری و همکاری در عین رقابت (Co-opettion: compettion + cooperation) را مبنای تأمین منافع ملی خود قرار دهد، می‌تواند تا قسمت عمده‌ای از توطئه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی را با کمترین هزینه، کمرنگ یا حتی خنثی کند. در حال حاضر، عربستان سعودی به‌عنوان دولت کلیدی در میان کشورهای عرب عضو شورای همکاری‌های خلیج فارس، در شرایط خاصی قرار دارد. از طرفی هشت سال است

که در جنگ یمن، ناموفق مانده و قدرت انصارالله یمن، اکنون در حدی شده است که داخل خاک عربستان تا آرامکورا مورد هدف قرار می‌دهند، از طرفی در مواجهه با نحوه خروج آمریکا از افغانستان و بحران اوکراین، دیگر اطمینان قطعی به حمایت‌های آمریکا ندارد. همچنین در همکاری با قدرت‌های جدید بین‌المللی یعنی چین و روسیه، مجبور است تا مواضع معتدل تری در قبال منافع آن‌ها در منطقه، به‌ویژه در قبال ایران، پیش بگیرد. البته به‌ویژه در قبال چین، زیرا چین برخلاف آمریکا، خواهان بهبود روابط ایران و عربستان است تا بتواند منافع ملی خود را در حوزه انرژی و ترانزیت خلیج فارس، با اطمینان بیشتری تأمین کند؛ و در نهایت، عربستان در قبال عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نیز علی‌رغم اینکه این اقدام را در راستای تأمین منافع ملی خود می‌داند، اما در عین حال، می‌داند که این ارتباط به وجهه رهبری عربستان سعودی به‌عنوان برادر بزرگ مسلمانان سنی دنیا و مسئله فلسطین، لطمه جدی



بایدن به منطقه، نه از روی قدرت، بلکه از روی جبران شکست در حوزه‌های مختلف پس از خروج از منطقه و شرایط جدید گذار در نظم بین‌المللی است و از این منظر، برخلاف هجمه رسانه‌ای مبنی بر محصور شدن و انزوای ایران در منطقه، اتفاقاً نشان از این دارد که ایران در مقایسه با ۱۰ یا ۵ سال پیش، بر اساس معیارهای قدرت و ابزار چانه‌زنی در روابط بین‌الملل، از شرایط به مراتب بهتری برخوردار است که اگر کمی سیاست فعالانه‌تر و با هوشمندی بیشتر، ضمن افزایش بازدارندگی و به کار بردن منطق رفتاری نظم شبکه‌ای را در منطقه پیش بگیرد، می‌تواند منافع ملی خود را تأمین نماید.

اقتصادی، نفتی، سیاسی، نظامی و منطقه‌ای دارد، اما در یک محاسبه هزینه-فایده برای تأمین منافع ملی، تنش‌زدایی با عربستان سعودی، می‌تواند از نزدیکی هرچه بیشتر عربستان به رژیم صهیونیستی، جلوگیری کند و قسمت عمده‌ای از تهدیدات امنیتی در خلیج فارس را کم‌رنگ یا حتی خنثی کند. از این رو، شاید سرعت بخشیدن به مذاکرات بغداد و بازگشایی سفارت‌خانه در تهران و ریاض، از مؤثرترین اقدامات ایران در واکنش به سفر بایدن به منطقه باشد.

### جمع‌بندی

با بررسی مطالبی که تاکنون ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که سفر

وارد خواهد کرد. از این رو، عربستان سعودی علی‌رغم عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، هرگز نمی‌تواند متحد استراتژیک آن رژیم بشود. اگر تمام این شرایط را در نظر بگیریم، می‌بینیم که جمهوری اسلامی ایران، شاید برخلاف ده سال گذشته، اکنون از موقعیت به مراتب بهتری برخوردار است تا بتواند از موضع قوی‌تر با عربستان سعودی وارد گفتگو و تنش‌زدایی شود؛ پروسه‌ای که اکنون، موجب ۵ دور مذاکره در بغداد دنبال شده است و احتمالاً دور ششم نیز به زودی برگزار شود. نکته مهم اینجا است که علی‌رغم تمام رقابت‌هایی که جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی در حوزه‌های مختلف ایدئولوژیک،